

چاره کار نمیدانند.

برخیز و آستینها را بالا بزن و خودت نان آور خودت باش. ولی وقت طرب و شادی را از دست نده! چون روزگار همیشه بر وفق مراد باقی نمیماند:

بخلق و لطف توان کرد صید اهل نظر

بدم و دانه نگیرند مرغ دانا را

حافظ فرهیخته زیباییها را میستاید ولی افزون بر زیبایی ظاهر، بدرون اهل نظر که مالا مالند از محسنات بیشتر مهر میورزد و طالب رابطه با آنهاست که در جوارشان بدانش خود میافزاید. او حاضر است هر چه دارد بدهد تا ارزشی آزادگی و ارستگی و همت و بی نیازی را خریداری کند!

طیب عشق منم، باده خور که این معجون

فراغت آرد و اندیشه خطا ببرد

فراموش نکنیم که این سخنان را در فضائی بیان میکند که منبر نشینان کوته بین مردم را از خوردن شراب منع میکنند و خطا میداند و پزشکی روانشناس چون حافظ است که بی پروا از شر دکانداران دین با چنین واژه های جاودانه تا دنیا باقیست بیانگر درون ملت پارسا و آزادیخواه ایران است:

بعزم مرحله عشق پیش نه قدمی

که سودها بری از این سفر گر توانی کرد

ارشاد همنوعان به مهرورزی از اندیشه های فراز مند حافظ است که در مدرسه خود مهر را از هر چیز در جهان برتر میداند و بر این باور است که با مهر میتوان اغلب مسائل شاق را حل کرد و شکوه مهر را در بسیاری از سخنانش میتوان احساس نمود:

فاش میگویم و از گفته خود دلشادم

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

انسان وقتی مقایسه میکند کردار و رفتار سکانداران امروز ایران را با حافظ دریا کلام که برآستی نماینده واقعی ملت شریف ایران محسوب میشود انگشت حیرت بدهان میگیرد که چگونه در خاورمیانه مرگ و نیستی و خونریزی و تباهی و سیاهی و ماتم و رنج را تا قادرند برای ملت رنج کشیده ما با یاری از دژخیمان خون آشام به ارمغان میآورند و حافظ دور از پندارهای بد به نیکی ها و خوبیها و مهرورزیها میانندیشد که تا بوده و هست هواخواهانش بیش از جنگ طلبان بوده اند. او آزادیخواهی گرانمایه است که بانگ صدایش جاودانه در دل هر ایرانی باقیست که فرمود:

سر به آزادگی از خلق بر آرم چون سرو

گر دهد دست که دامان ز جهان بر چینم

حتی در هنگام رخت بر بستن از جهان فانی آزادگی و آزاد اندیشی را از حقوق حقه هر انسان دانسته که روانش در بهشت برین جاودانه باد.

پیوسته دلتان شاد و لبان خندان باد



سلسله مقالات در تجزیه و تحلیل اندیشه های حافظ بنگارش مهندس همایون ابراهیمی (داروگر)

زبان شیرین و شیوای فارسی با گستردگیهای وسیعش در ثروت واژه ها بفرهینتگانی چون عالیجناب حافظ و حضرت مولانا و سخنوران دیگر این امکان را میدهد تا با معماریهای دلنشین خود در غزلسرائی فرهنگ ایران را جاودانه سازند و جهانی را بتجلیل و دارند کما اینکه شاهدیم که اشعار حافظ توانند در دانشگاه های آمریکا و اروپا تدریس میشود و دیوان شکوهمند مولانا بین پنج کتاب پر فروش آمریکا در سال ۲۰۰۰ قرار گرفته. با هم بچکیده هائی از پرواز اندیشه حافظ فرزانه میپردازیم تا جان و جسم خود را برای مدتی کوتاه از این جنگل تمدن و نابسامانی ها بیرون آوریم.

فرمانهای پیر شیراز در زندگی درویشانه و دید قناعت گرش بروزگار، میتواند گره گشای بسیاری از دردهای اجتماعی ما باشد:

بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی

فرستی دان که زلب تا بدهان اینهمه نیست سایه فنا بر همه کس و همه چیز پهن شده و دیر یا زود همگان در دریای نیستی فرو خواهیم رفت و چه زیباست بر آن باور فرصتها را از دست ندهیم.

پنج روزی که در این مرحله مهلت داری

خوش بیاسای زمانی که زمان اینهمه نیست درویشانه زیستن و دل را بمعنویات گره زدن میتواند سرور بخش و جان فزا باشد.

نیست در کس کرم و وقت طرب میگذرد

چاره آنست که سجاده بمی بفروشیم

در انتظار کرم و مهر و مردانگی دگران نشستن را حافظ

کوچه

یاد بچه های توی کوچمون
یاد سقف بیریای خونمون
امشبم بیادتم، هر نفس بیادتم
یاد آفتاب که میخورد رو پشت بون
یاد تویی که میخورد به شیشه مون
امشبم تو خوابتم، هر نفس تو خوابتم
یادته دروازه های آجری
عشق يك گل که زدی تا ببری
امشبم خرابتم، هر نفس خرابتم
کفشای پاره پوره
چشای مد کوره
پول دنگی واسه توپ خاطرات
گره توی حیاط
امشبم صداس میدا، هر نفس صداس میدا
دختر همسایه که میخواستیمش
اون که غش میکردیم از قر و فرش
بابای اکبر کچل
اون که مردم از صدای غرغرش
امشبم تو فکرشم، هر نفس تو فکرشم
جدول و جوب کوچه
بازی گل یا پوچه
تيله بازی رو خاكا
جرزنی، انگولكا
امشبم تنگه دلم، هر نفس تنگه دلم
حالا توپ من شده بغض گلوم
گل و دروازم شدن دفتر و بوم
کوچمون نه جوب داره نه خاطره
یه چمن زن داره خیلی ماهره
نه دیگه دختری که نکاش کنیم
نه رفیقی که یه حالی باش کنیم
نه یه اکبر نه یه مدد نه علی
نه سوپوری که صداس کنیم "آی اشغالی"
به تمام بچه ها سلام بکن
راز دلتنگیمو توی محل اعلام بکن
بگو بچه تهرونم یه روز میدا
روزگار نمیزاره
چون که دلش خیلی میخواد
امشبم بیادتم، هر نفس بیادتم
۱۴ آوریل ۲۰۰۱
سروش (بچه تهرون)

فردوسی

ز دانایی و شرم بی بهرگان
نه هوش و نه دانش، نه نام و نه ننگ
همی داد خواهند گیتی به باد
فرومايه را بخت گردد بلند
گزند آشکارا و خوبی نهان
پدید آید و زشت پتیاره ای
همه نام بوبکر و عمر شود
کز اختر همه تازیان راست بهر
به داد و به بخشش کسی ننگرد
گرامی شود کژی و کاستی
سوار آنکه لاف آرد و گفتگوی
ز نفرین ندانند باز آفرین
دل مردمان سنگ خارا شود
نژادی پدید آید اندر میان
سخنها به کردار بازی بود
بکوشند و کوشش به دشمن دهند
بجویند و دین اندر آرند پیش
شود روزگار بد آراسته
نیارند هنگام رامش نبید
کسی سوی آزادگان ننگرد
بشد راه دوزخ پدید از بهشت



از این مار خوار اهرمن چهرگان
از این زاغ ساران بی آب و رنگ
نه گنج و نه نام و نه تخت و نژاد
شود خوار هرکس که بود ارجمند
پراکنده گردد بدی در جهان
به هر گوشه ای در ستمکاره ای
چو با تخت منبر برابر شود
نه تخت و نه دیهیم بینی نه شهر
برنجد یکی، دیگری بر خورد
ز پیمان بگردند و از راستی
پیاده شود مردم رزمجوی
رباید همی این از آن، آن از این
نهانی بتر ز آشکارا شود
از ایران و از ترک و از تازیان
نه دهقان، نه ترک و نه تازی بود
همه گنجها زیر دامن نهند
زیان کسان از پی سود خویش
بریزند خون از پی خواسته
نباشد بهار از زمستان پدید
چو بسیار از این داستان بنگرد
همان زشت شد خوب و شد خوب زشت

مگر خونین تن مام وطن نیست؟

چرا سر برده اید اندر گریبان؟
که با مام وطن دارید پیمان؟
زبیداد و غم و اندوه و حرمان
چرا کاخ امل گردیده ویران؟
ز جور شیخ دد خو نیست جوشان؟
نداده حرمت و شوکت به تاوان؟
نپوسیده به کنج بند و زندان؟
نکرده آریاها را پریشان؟
مگر بر قلب او ننشسته پیکان؟
سرای شیخ خونین چنگ ویران؟
بر این روز سیه گون خط پایان
به آتش زانبرد و رزم و توفان
سروده ای از پیروز

سلحشوران، دلیران، رزمجویان
مگر از قلبتان آوا نخیزد
نجات میهن از رنج و تباهی
مگر سرلوحه پیمانتان نیست
مگر خون شما گردن فرزان
مگر ملت به جرم مست بودن
مگر خلیل جوانان دلاور
مگر فقر و فساد و تیره روزی
مگر خونین تن مام وطن نیست
کجا و کی زخشم و قهر سازید
زجا خیزید و با قدرت گذارید
به هم پیچید طومار فزون شیخ



اخبار سازمان نیکوکاری عزر میداوید

در روز دو شنبه چهارم ژوئن در سازمان بانوان شهر ریشون لسیون برای آن کسانی که مشکلی از طرف بیمه های اجتماعی داشتند نشستی برپا گشت. در آینده نزدیک نظیر چنین نشستی در خولون نیز برگزار خواهد گردید. افرادی که مایل به شرکت در این برنامه هستند، با تلفن: ۰۵۰۴۰۳۲ (داود بی بیان) تماس گیرند تا ترتیب شرکت آنان فراهم گردد.

پس از برنامه ریزی دوره آموزش آرایش برای مهاجرین جدید که بزودی نیز شروع به کار خواهند نمود و بنا به درخواست دیگران دوره آموزش خیاطی برپا خواهد گردید. ثبت نام برای این دوره شروع شده و به امید پروردگار در آینده ای نزدیک کلاسهای آن نیز دایر خواهد گشت. برای ثبت نام با تلفن: ۰۵۰۴۰۳۲ (داود بی بیان) تماس حاصل فرمائید.

آقای اسحق گولدین موفق گردیده اند مقداری قهوه برای پخش فراهم نمایند که بدینوسیله از زحمت ایشان قدردانی میگردد. همچنین آقای نیشان حوری و فرزندان مقداری بیسکویت و شیرینی تهیه و در اختیار سازمان قرار دادند که

بسته بندی و پخش گردید. سازمان نیکوکاری عزر میداوید آرزوی سعادت و خوشبختی برای یکایک آنان دارد.

آقای پرویز وثوق آزاد، نقاش دربار شاهنشاهی ایران در تاریخ شانزدهم ژوئن نمایشگاهی از کارهای نقاشی هنرجویان خود در "בית לאו" (בית לאו) تشکیل دادند. این هنرجویان که تنها زمان کوتاهی است دوره آموزشی خود را میگذرانند، کارهای بسیار جالب و زیبایی را به نمایش گذاشته بودند که باعث حیرت بینندگان میگشت. آقای پرویز وثوق آزاد دوره آموزش جدیدی را آغاز نموده اند که برای ثبت نام در این کلاسها میتوان با تلفن: ۰۵۲۳۳۲۲-۰۵۲ تماس گیرید. سازمان نیکوکاری عزر میداوید پیروزی هر چه بیشتر ایشان را خواستار میباشد.

در تاریخ سی و یکم ماه مه، برای آشنائی با ایرانیان جنوب تل آویو نشستی در کنیسا ی خالسی صورت داشتیم. این کنیسا به یادبود شهدای ساختمان حکومتی در لبنان برپا گشته و توسط آقای آشر سوفی (سوفر) اداره میشود. در فاجعه نامبرده چند جوان ایرانی و از جمله یورام سوفی، ایساخار اهرونی، یهوشوع یوسف زاده و شمشون سلیمی به شهادت رسیده بودند.

در این نشست گزارشی از کارهای سازمان نیکوکاری عزر میداوید در ماههای گذشته داده شده و از برنامه های آینده سخن به میان آمد. سازمان نیکوکاری عزر میداوید از آقای آشر سوفی و دیگر همکاران سپاسگزاری نموده و تصمیم گرفته شد در آینده جلسات دوستی و آشنائی در شهرهای همجوار خولون تشکیل گردد.

کتاب یادنامه به نویسندگی آقای مئیر عزری که یکی دیگر از شاهکارهای فرهنگی دوران میباشد، انتشار و پخش گردیده است.

سازمان نیکوکاری عزر میداوید پیروزی هر چه بیشتر آقای مئیر عزری را در شناسائی فرهنگ و ادب ایرانیان خواستار و ایمان راسخ داریم که یادنامه سندی ارزشمند خواهد بود که گویای روابط دوستانه ایران و ایسرائل در دوران شاهنشاهی میباشد. این یادنامه به زبان عبری و فارسی منتشر گردیده و امیدواریم که یک جلد از آن در هر خانواده ایرانی وجود داشته باشد. بطوریکه اطلاع یافته ایم تمام درآمد حاصله از فروش این کتاب جهت ساختن کنیسانی در یروشالیم اختصاص خواهد یافت.

برای رسیدگی بیشتر به مشکلات مهاجرین جدید و نیازمندان جامعه نشستی در تاریخ ۲۳/۷/۲۰۰۱ ساعت هشت شب در سالن موفت در خولون واقع در خیابان هیستندروت شماره ۳۱ برپا میگردد. برای شرکت در این برنامه با تلفن: ۰۵۰۴۰۳۲ (داود بی بیان) تماس بگیرید.

در تاریخ ۱۵/۹/۲۰۰۱ جشنی در سالن میسعن خولون از ساعت ۸/۳۰ الی ۱۲ برگزار میگردد. برای شرکت در این جشن و آگاهی بیشتر با تلفن ۰۵۰۴۸۰۵۰ (آقای گولدین) و یا تلفن ۶۵۹۹۶۲۰ (خانم شوشنا) موره صدق تماس حاصل فرمائید.

تبریک

سازمان نیکوکاری عزر میداوید
ازدواج فرخنده خانم اودلیا گولان
را به آقای ابراهام گولان تبریک گفته و آرزوی
سعادت و خوشبختی برای ایشان دارد.

تسلیت

سرور گرامی جناب آقای ابراهیم حاخامی
در گذشت نابهنگام خواهرتان را به شما و
خانواده تسلیت گفته و آرزوی صبر و تحمل برای
بازماندگان داریم.

اعضای سازمان نیکوکاری عزر میداوید